

## علمی پژوهشی

# تحلیل جامعه‌شناختی رابطه گرایش به مد با انتخاب نوع پوشش در میان بانوان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی<sup>۱\*</sup>، مرضیه صادقی هاردنگی<sup>۲</sup>، مرضیه مدنی‌نسب<sup>۳</sup>

### تاریخ دریافت:

۱۸ شهریور ۱۴۰۴

### چکیده

پیش‌زمینه: تغییرات پوشش زنان در شهرهای مذهبی مانند یزد، تحت تأثیر مدگرایی در بازتعریف هویت زنان نقش دارد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه مدگرایی و نوع پوشش بانوان شهر یزد انجام شد. روش کار: پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری زنان ۱۵ تا ۶۵ سال شهر یزد بود که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۵۰۰ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامه محقق‌ساخته با روایی تأیید و پایایی آلفای کرونباخ ۰,۸۶، برای حجاب و ۰,۷۵ برای مدگرایی گردآوری و با نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. یافته‌ها: بین سن و نوع پوشش رابطه معنادار و بین مدگرایی و میزان حجاب رابطه معکوس مشاهده شد. همچنین میزان حجاب در زنان خانه‌دار بیش از شاغلان بود.

### تاریخ پذیرش:

۳ آذر ۱۴۰۴

### کلیدواژه‌ها:

نوع پوشش؛ مدگرایی؛ حجاب؛ شهر یزد؛ هویت اجتماعی.

نتیجه‌گیری: سن، تحصیلات و درآمد از عوامل مؤثر بر نوع پوشش و میزان حجاب زنان هستند و مدگرایی با کاهش گرایش به پوشش سنتی همراه است و انتخاب پوشش حاصل تعامل ساختارهای اجتماعی و بازنمایی هویت در جامعه‌ای در حال گذار است.

### مقدمه

در سال‌های اخیر، نوع پوشش زنان ایرانی به‌ویژه در شهرهای مذهبی چون یزد، به یکی از شاخص‌های مهم دگرگونی فرهنگی و اجتماعی بدل شده است. در این بستر، تعامل میان سنت‌های دینی، ارزش‌های فرهنگی و جریان‌های جهانی مدرنیته، چالشی تازه در بازتعریف هویت زنانه ایجاد کرده است. لباس، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نمادهای ارتباطات غیرکلامی، نقشی فراتر از پوشاندن بدن دارد و حامل پیام‌هایی اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی است که بدون گفتار منتقل می‌شوند. انتخاب سبک پوشش می‌تواند دلالت‌هایی درباره طبقه اجتماعی، نقش‌های جنسیتی و ویژگی‌های شخصیتی داشته باشد و از این طریق بر تعاملات انسانی اثر بگذارد (Rosenfeld & Plax, 1977). همچنین، پوشش نه تنها برداشت دیگران را از فرد شکل می‌دهد، بلکه بر رفتار و احساسات خود فرد نیز اثرگذار است و به‌عنوان محرکی اجتماعی،

<sup>۱</sup>استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) a\_zare@yazd.ac.ir

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

<sup>۳</sup>کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

فرآیندهای ادراک و قضاوت را فعال می‌کند (Johnson et al., 2014). نظریه «شناخت لباس پوشیده» نیز نشان می‌دهد که پوشیدن لباس‌هایی با بار نمادین خاص می‌تواند بر عملکرد شناختی و خودآگاهی فرد اثر بگذارد (Adam & Galinsky, 2012). بدین ترتیب، لباس را می‌توان زبانی نمادین دانست که در شکل‌دهی هویت، مدیریت تأثیر و تنظیم روابط اجتماعی نقش اساسی دارد.

در بافت فرهنگی ایران، به‌ویژه در شهرهایی با پیشینه مذهبی و تاریخی مانند یزد، پوشش زنان تنها امری زیبایی‌شناختی یا تابع مد نیست، بلکه به‌عنوان شاخصی از نظام ارزشی، دین‌داری و ساختارهای فرهنگی عمل می‌کند. یزد به‌عنوان یکی از شهرهای مذهبی کشور، دارای ساختار اجتماعی سنتی و پیوندهای قوی خانوادگی است، اما در دهه‌های اخیر، با گسترش رسانه‌های اجتماعی و تعاملات فرهنگی، شاهد تغییراتی تدریجی در نگرش زنان نسبت به پوشش بوده است (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۷؛ خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰). این دگرگونی‌ها پرسش‌هایی اساسی را درباره چگونگی تأثیر مدگرایی بر انتخاب نوع پوشش در جامعه‌ای با ارزش‌های مذهبی پررنگ مطرح می‌سازد.

با وجود مطالعات متعدد درباره پوشش و حجاب زنان در ایران، بیشتر این پژوهش‌ها در شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد و اصفهان انجام شده‌اند و کم‌تر به شهرهایی با بافت مذهبی خاص مانند یزد پرداخته‌اند. از این‌رو، شناخت رابطه میان مدگرایی و نوع پوشش در میان زنان یزدی، نه‌تنها از منظر جامعه‌شناسی دین و فرهنگ، بلکه از دیدگاه سیاست‌گذاری فرهنگی نیز اهمیت دارد. بر اساس این، پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «چه رابطه‌ای میان مدگرایی و نوع پوشش زنان در شهر یزد وجود دارد؟» پاسخ به این پرسش می‌تواند به درک عمیق‌تری از فرآیندهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار پوششی زنان در جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته منجر شود و زمینه‌ساز سیاست‌گذاری آگاهانه در حوزه فرهنگ پوشش گردد.

## ادبیات پژوهش

پژوهش‌های داخلی متعددی به بررسی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی پوشش زنان ایرانی پرداخته‌اند و هریک از زاویه‌ای خاص به نقش دین، خانواده، اقتصاد و فرهنگ در انتخاب نوع پوشش اشاره کرده‌اند. نیک‌بخش (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش دین‌داری، سن و تربیت خانوادگی در حفظ پوشش سنتی زنان شهرستان لالی» نشان داد که دین‌داری و تربیت خانوادگی نسبت به رسانه‌ها نقش پررنگ‌تری در پایبندی زنان به پوشش سنتی دارند (نیک‌بخش، ۱۳۹۸). در تداوم این رویکرد، بخشی‌نظر و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر سبک‌های

پوشش زنان در شهر همدان" بیان کردند که گروه همسالان، باورهای فردی و شرایط اقتصادی، از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر سبک پوشش زنان هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در مناطق مختلف، پوشش نه فقط از باورهای مذهبی، بلکه از ساختارهای اجتماعی و روابط بین‌نسلی نیز تأثیر می‌پذیرد (بخشی‌نظر و همکاران، ۱۳۹۸). به‌علاوه، رفعت‌جاه و فلاح سفیدکوه (۱۳۹۸) در پژوهش "رابطه سبک زندگی مدرن و پایگاه اقتصادی با گرایش به مد در میان زنان تهرانی" تأکید کردند که با گسترش سبک زندگی مدرن، پوشش زنان از قالب‌های سنتی فاصله گرفته و بیشتر جنبه هویتی و فردی یافته است (رفعت‌جاه و فلاح سفیدکوه، ۱۳۹۸). در همین راستا، یاسینی (۱۳۹۹) در مقاله "تحلیل گفتمان پوشش زنان ایرانی: تضاد میان گفتمان رسمی و خرده‌گفتمان‌های فرهنگی" نشان داد که پوشش در ایران در تقابل میان گفتمان رسمی و گفتمان‌های زیبایی‌شناختی و مصرف فرهنگی معنا می‌یابد (یاسینی، ۱۳۹۹). پژوهش محمدی و همکاران (۱۴۰۱) درباره "پوشش آیینی در میان اقلیت‌های دینی ایران" نیز تأکید کرد که انتخاب پوشش این گروه‌ها برخاسته از سنت‌های تاریخی و باورهای مذهبی است، نه از فشارهای اجتماعی یا رسانه‌ای (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱). در همین زمینه، دانش‌مهر و حسن‌خانی (۱۴۰۱) در مقاله "پوشش دختران جوان به‌عنوان نماد هویت فرهنگی در شهر شاهین‌دژ" دریافتند که لباس برای نسل جوان ابزاری برای بازنمایی هویت فرهنگی و محلی است. مجموع این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پوشش در جامعه ایران از یک سو ریشه در ارزش‌های دینی و فرهنگی دارد و از سوی دیگر، در مواجهه با تغییرات اجتماعی، به عرصه‌ای برای بازتعریف هویت فردی و جمعی زنان تبدیل شده است (دانش‌مهر و حسن‌خانی، ۱۴۰۱). رضاپور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان "برقع؛ پوشش زنان جنوب" که در دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات مدیریت، فرهنگ و هنر ارائه شد، به این نتیجه دست یافت که انتخاب پوشش زنان در مناطق جنوبی ایران، به‌ویژه استفاده از برقع، نه صرفاً تحت تأثیر هنجارهای مذهبی، بلکه با توجه به تعامل میان ارزش‌های فرهنگی محلی، فشارهای اجتماعی و جریان‌های مدرن شکل می‌گیرد. این مطالعه نشان می‌دهد که پوشش زنان در بافت‌های فرهنگی مختلف ایران، ترکیبی از سنت، هویت جمعی و تغییرات اجتماعی است و می‌تواند به‌عنوان یک معیار تحلیل رفتارهای فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد (رضاپور، ۱۴۰۲).

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات گوناگون نشان داده‌اند که پوشش زنان مسلمان در بسترهای فرهنگی مختلف، کارکردهایی چندگانه از هویت‌یابی تا مقاومت اجتماعی دارد. تارلو<sup>۱</sup> (2007) در مقاله "حجاب در لندن: هویت فرهنگی و

1 Tarlo

تمایز اجتماعی در میان زنان مسلمان<sup>۱</sup> دریافت که زنان از حجاب برای تمایز فرهنگی و تأکید بر هویت خود در جوامع غربی استفاده می‌کنند (Tarlo, 2007). رحمت<sup>۱</sup> و همکاران (2016) در مطالعه<sup>۱</sup> "ایمان، مد و مهاجرت: تجربه حجاب در میان زنان مسلمان کانادایی" نیز گزارش کردند که زنان مهاجر در مواجهه با تضاد میان باور دینی و فشار فرهنگی، پوشش را ابزاری برای حفظ هویت و آرامش روانی می‌دانند (Rahmat et al., 2016). در امارات، جردن<sup>۲</sup> و همکاران (2020) در مقاله<sup>۲</sup> "درک جذابیت و سبک‌های پوشش در میان زنان اماراتی" نشان دادند که نوع پوشش درک اجتماعی از زیبایی را تغییر می‌دهد و رابطه‌ای دوسویه میان مد و جذابیت برقرار می‌سازد (Jordan et al., 2020). همچنین، سولستیانی<sup>۳</sup> و همکاران (2021) در پژوهش<sup>۳</sup> "ارزش‌های دینی و نگرش به پوشش در میان دانشجویان اندونزیایی" بیان کردند که نگرش‌های منفی نسبت به پوشش باز، در تقابل با ارزش‌های مذهبی و سنتی قرار دارد (Sulistiyani et al., 2021). در نهایت، شهزاد و فاطیما (2024) در مقاله<sup>۴</sup> "عوامل فرهنگی و خانوادگی مؤثر بر رفتار پوششی دختران دانشگاهی در پاکستان" نشان دادند که خانواده و تربیت فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در نگرش زنان جوان به مد و حجاب دارد. این مجموعه از یافته‌ها بیان‌گر آن است که در سطح جهانی نیز، انتخاب پوشش زنان مسلمان حاصل تعامل پیچیده‌ای میان دین، فرهنگ، طبقه اجتماعی و فرآیندهای جهانی‌شدن است (Shehzad & Fatima, 2024).

با وجود این تلاش‌ها، به‌ویژه در بستر فرهنگی ایران، هنوز پژوهش‌های جامع جامعه‌شناختی که بتوانند نقش هم‌زمان عوامل فردی، ساختاری و فرهنگی را در انتخاب نوع پوشش زنان تحلیل کنند، کمیاب‌اند. اغلب مطالعات موجود یا بر نظریه‌پردازی متمرکز بوده‌اند یا تمرکز جغرافیایی آن‌ها بر شهرهای بزرگ و پایتخت بوده است. از این‌رو، شناخت رفتارهای پوششی زنان در شهری مانند یزد با ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی خاص، خلأ پژوهشی است که این تحقیق درصدد پرکردن آن است. در بستر فرهنگی ایران، به‌ویژه در شهرهایی با بافت مذهبی مانند یزد، نوع پوشش نه تنها بازتابی از هنجارهای دینی و ساختارهای سنتی است، بلکه در مواجهه با جریان‌های مدرن و رسانه‌ای، به میدان بازتعریف هویت زنانه نیز تبدیل شده است. زنان به‌عنوان کنش‌گران اجتماعی، از پوشش خود برای بیان دیدگاه‌ها، ترجیحات و حتی اعتراض‌های پنهان استفاده می‌کنند و این موضوع نشان‌دهنده تحول در معنا و کارکرد اجتماعی لباس است. در چنین شرایطی، مطالعه نگرش زنان به حجاب و نقش مدگرایی در انتخاب پوشش، امری ضروری برای درک تحولات فرهنگی جامعه محسوب می‌شود. تحلیل علمی این پدیده می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از سازوکارهای فرهنگی و ذهنیت زنان در

<sup>1</sup> Rahmat

<sup>2</sup> Jordan

<sup>3</sup> Sulistiyani

شرایط گذار از سنت به مدرنیته بینجامد و بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی فرهنگی و سیاست‌گذاری اجتماعی فراهم کند. چنین پژوهشی، به‌ویژه در مناطقی با حساسیت‌های مذهبی و تاریخی، می‌تواند نقشی کلیدی در فهم روندهای هویتی و بازنمایی ارزش‌ها در میان نسل‌های جدید ایفا کند.

### پیشینه نظری

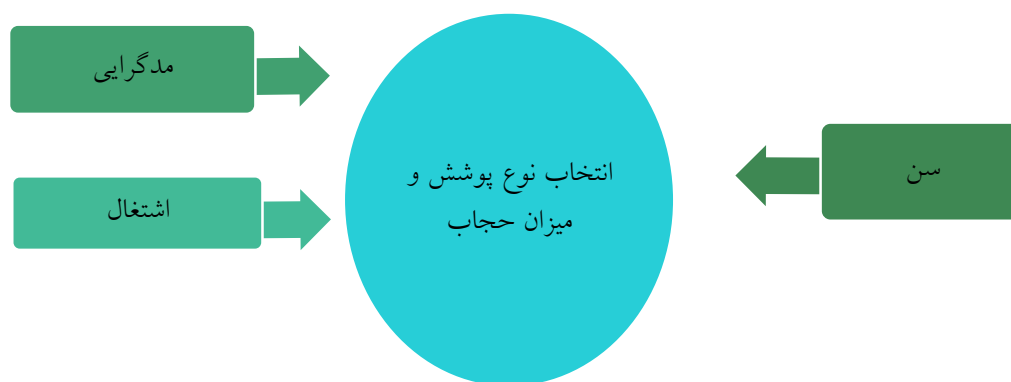
مسئله مدگرایی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه معاصر، نقش قابل توجهی در شکل‌دهی به رفتارها و انتخاب‌های فردی به‌ویژه در حوزه پوشش ایفا می‌کند. نظریه گئورگ زیمل یکی از پایه‌های فهم این پدیده است. زیمل، مد را نه صرفاً یک جریان زودگذر، بلکه فرآیندی پیچیده می‌داند که ترکیبی از تمایل به پیروی از جمع و تلاش برای تمایز فردی است. به بیان او، افراد در شهرهای بزرگ مانند یزد که با تغییرات فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند، از طریق تبعیت از مد، سعی در پذیرش اجتماعی دارند و هم‌زمان با انتخاب‌های خاص در پوشش، تلاش می‌کنند هویت فردی خود را حفظ کنند (بهار، ۱۳۸۸: ۴۸). این دوگانگی میان همسان‌سازی و تمایز، اساس مدگرایی را شکل می‌دهد و تعامل پیچیده‌ای میان فرد و ساختار اجتماعی ایجاد می‌کند. همچنین، مطالعات دیگر نشان داده‌اند که در جوامع سنتی‌تر و در حال تغییر مانند یزد، کشمکش میان ارزش‌های سنتی و تأثیرات مدرن در انتخاب پوشش زنان، ابعادی خاص و قابل توجه به مدگرایی می‌بخشد.

اروینگ گافمن با رویکرد نمایشی خود، تحلیل مناسبی از چگونگی بروز مدگرایی ارائه می‌دهد. او پوشش را ابزاری برای اجرای اجتماعی و مدیریت برداشت‌های دیگران می‌داند. از این منظر، سبک پوشش نمادی است که فرد با آن تصویری از خود می‌سازد که مورد پذیرش اجتماعی باشد. این نمایشی بودن پوشش، به‌ویژه در جوامع شهری و در حال تغییر، باعث می‌شود مدگرایی فرآیندی پویا باشد که هم ذائقه فردی و هم شرایط اجتماعی-فرهنگی محیط را بازتاب می‌دهد. به این ترتیب، انتخاب نوع پوشش بانوان یزدی می‌تواند هم به تقویت موقعیت اجتماعی و هم به بیان واکنش به تحولات اجتماعی و فرهنگی مربوط باشد (ریترز، ۱۳۸۲).

نظریه‌های ساختاری و فرهنگی نیز در درک عمیق‌تر مدگرایی اهمیت دارند. بوردیو با مفهوم سرمایه فرهنگی و ذائقه تأکید می‌کند که انتخاب پوشش صرفاً سلیقه فردی نیست، بلکه بازتابی از جایگاه اجتماعی و سرمایه فرهنگی فرد است. گیدنز نیز پوشش را ابزاری برای بازاندیشی مداوم درباره هویت فردی می‌داند و بر بازسازی مستمر "خود" در جهان مدرن

تأکید می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸). افزون بر این، دیدگاه‌های ساختاری‌تر مانند نظریه مصرف فرهنگی بارت و گفتمان فمینیستی نشان می‌دهند که انتخاب مد و پوشش زنان علاوه بر بازتاب موقعیت اجتماعی، می‌تواند وسیله‌ای برای بیان هویت، مقاومت فرهنگی و تغییر هنجارهای جنسیتی نیز باشد.

با تلفیق این نظریه‌ها، چارچوب نظری پژوهش حاضر شکل می‌گیرد: مدگرایی و دیگر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، فردی و اقتصادی به‌عنوان متغیرهای مستقل (سن، تحصیلات، میزان درآمد و اشتغال) بر نوع پوشش و میزان حجاب زنان (متغیر وابسته) تأثیر می‌گذارند. نظریه‌های زیمل و گافمن به تبیین فرآیند انتخاب فردی و نمایشی پوشش کمک می‌کنند، بوردیو و گیدنز زمینه ساختاری و هویتی آن را روشن می‌کنند و دیدگاه‌های فرهنگی و فمینیستی تحلیل کلی‌تر رفتار پوششی زنان در بافت فرهنگی یزد را امکان‌پذیر می‌سازند.



شکل ۱. مدل نظری

### روش‌شناسی پژوهش

روش به‌کارگرفته شده در این پژوهش پیمایشی بوده، ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای شهر یزد می‌باشد که مطابق با دفترچه سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها ۱۵۴۹۸۶ خانوار بوده است. درواقع واحد نمونه خانوار و واحد مشاهده زنان ۶۵-۱۵ ساله شهر یزد می‌باشد. جهت انجام نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای استفاده شد. برای انجام عملیاتی آن، در گام اول، براساس نقشه محلات شهر یزد، ۱۰ محله مشخص گردید، در گام دوم، از طریق نمونه‌گیری سیستماتیک خانوارها برگزیده شدند و در مرحله سوم انتخاب

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه گرایش به مد با انتخاب نوع پوشش در میان بانوان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی، مرضیه صادقی هاردنگی، مرضیه مدنی نسب

تصادفی یکی از زنان ۱۵ سال به بالا در خانوار صورت گرفت لازم به توضیح است، شرط ورود به پژوهش، رضایت پاسخ‌گویان به همکاری با پژوهشگر و قرارگیری در گروه سنی ۶۵-۱۵ ساله بوده است. جهت تعیین اندازه نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران (با حجم نمونه ۳۸۴ نفر) استفاده شده است. مقادیر  $p$  و  $q$  برابر با  $(۰/۵)$ ، فاصله اطمینان برابر با  $(۱/۹۶)$ ، میزان خطای قابل قبول برابر با  $(۰/۵)$  بوده است که برای اعتبار بیشتر ۵۰۰ پرسش‌نامه تکمیل گردید. بنابراین واحد تحلیل در این پژوهش یک نفر شهروند زن ۱۵ تا ۶۵ ساکن شهر یزد است. برای سنجش اعتبار سؤالات پرسش‌نامه این پژوهش از اعتبار صوری (استفاده از نظر محققان) استفاده شد. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ مد نظر قرار گرفت. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده متغیرهای اصلی تحقیق میزان حجاب،  $۰/۸۶$  و مدگرایی  $۰/۷۵$  است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری مانند ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس، و آزمون  $t$  انجام شده است.

### تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای اصلی:

**انتخاب نوع پوشش:** شامل همه چیزهایی است که به بدن پوشانده می‌شود، از جمله سرپوش (روسری، چادر، شال، کلاه)، لباس و کفش است. دامنه پوشش از مطالعه گیلمن در جامعه‌شناسی پوشش گرفته شده است و به منظور پنج عامل استفاده می‌گردد: ۱- حفاظت بدن ۲- گرم‌کردن بدن ۳- آرایش بدن ۴- عفت و ۵- نمادگرایی و بیشتر پدیده‌ها را در پوشش توضیح می‌دهند (گیلمن، ۲۰۰۲: ۷).

به لحاظ عملی، جهت سنجش نوع پوشش از پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته استفاده شده است و مشتمل بر ۵ گویه است. سطح سنجش این پرسش‌نامه از نوع اسمی پنج‌گزینه‌ای می‌باشد. با توجه به تعداد سؤالات و نمره‌گذاری آن، دامنه نمرات بین ۵ تا ۲۵ می‌باشند.

۱- در جامعه چه پوششی دارید؟

۱- چادر و مقنعه ۲- مانتو و مقنعه ۳- پیراهن و شلوار ۴- سایر را بنویسید.....

۲- در جامعه برای پوشش سر از چه استفاده می‌کنید؟

۱- روسری ۲- مقنعه ۳- شال ۴- کلاه ۵- بدون پوشش

۳- در جامعه برای پوشش پایین‌تنه از چه استفاده می‌کنید؟

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه گرایش به مد با انتخاب نوع پوشش در میان بانوان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی، مرضیه صادقی هاردنگی، مرضیه مدنی نسب

۱- شلوار پارچه‌ای ۲- شلوار لی ۳- شلوار مجلسی ۴- شلوارک ۵- دامن ۶- سایر را بنویسید.....  
۴- در جامعه برای پوشش بالاتنه از چه استفاده می‌کنید؟  
۱- مانتو دکمه‌دار ۲- مانتو بدون دکمه ۳- تی‌شرت و آستین کوتاه ۴- سایر را ذکر کنید.....  
۵- در پوشش خود به چه رنگی تمایل دارید؟

۱- مشکی ۲- آبی ۳- قرمز و صورتی ۴- سبز و سفید ۵- سایر را بنویسید.....  
**میزان حجاب:** جهت سنجش میزان حجاب از پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته استفاده شده است. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۷ گویه است. سطح سنجش این پرسش‌نامه از نوع رتبه‌ای پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم=۵، موافقم=۴، بی‌نظرم=۳، مخالفم=۲ و کاملاً مخالفم=۱) می‌باشد. با توجه به تعداد سؤالات و نمره‌گذاری آن، دامنه نمرات بین ۷ تا ۳۵ می‌باشند.

- ۱- عدم استفاده از پوشش درست در جامعه نامنی روانی ایجاد می‌کند.
- ۲- استفاده از حجاب و پوشش در مصونیت زنان تأثیر دارد.
- ۳- از حدود پوشش اسلامی آگاهی دارم.
- ۴- در مورد فلسفه حجاب و معنا و مفهوم آن اطلاع دارم.
- ۵- علاقه‌مند به استفاده از پوشش عرف در جامعه هستم.
- ۶- به استفاده از چادر به‌عنوان حجاب برتر معتقدم.
- ۷- استفاده از حجاب می‌تواند در جلوگیری از مفاسد اخلاقی مؤثر باشد.

**مدگرایی:** مد مفهومی پیچیده و چندلایه است و دلالت‌های معنایی متعددی دارد. در ادبیات نظری، تعاریف متنوعی برای آن وجود دارد که دامنه وسیعی را در بر می‌گیرد؛ تعاریفی که الزاماً با یکدیگر توافق ندارند و حتی در مواردی یکدیگر را نفی می‌کنند؛ برای مثال به گفته زیمل (۱۳۹۰) «مدگرایی به همسان‌شدن و منفردشدن، یعنی انگیزش تقلید و برتری بر دیگران را هم‌زمان ابراز و بر آن تأکید می‌کند. مد از یک سو عرصه تقلید عمومی، شنا در عریض‌ترین جریان اجتماعی و برداشتن بار مسئولیت در انتخاب ذائقه و رفتار از دوش افراد است و از دیگر سو، متمایزشدن، تأکید و آرایش فردی شخصیت است» (به نقل از بخارایی و رفیعی، ۱۳۹۵: ۳۱۴). به لحاظ عملی، جهت سنجش مدگرایی از پرسش‌نامه‌ای پژوهشگر ساخته استفاده شده است. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۶ گویه است. سطح سنجش این پرسش‌نامه از نوع رتبه‌ای پنج‌گزینه‌ای (بسیار کم، کم، تاحدودی، زیاد، خیلی زیاد) می‌باشد. با توجه به تعداد سؤالات و نمره‌گذاری آن، دامنه نمرات بین ۶ تا ۳۰ می‌باشند.

- ۱- من از مدل مو و لباس بازیگران و خواننده‌ها تقلید می‌کنم.
- ۲- یکی از سرگرمی‌های من پیروی از مد است.
- ۳- در اوقات فراغت به مطالعه اخبار، شبکه‌ها و مجلات مد می‌پردازم.
- ۴- مدل موهای خود را مطابق آخرین مد روز انتخاب می‌کنم.
- ۵- پیروی از مد برای من یک نوع سرگرمی است.
- ۶- سعی می‌کنم دیگران را به استفاده از مد تشویق کنم.

## یافته‌ها

### یافته‌های توصیفی

در توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سن، از مجموع کل پاسخ‌گویان، ۶۴٫۴ درصد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال، ۲۲٫۲ درصد در بازه ۲۶ تا ۳۵ سال، ۱۷ درصد در بازه ۳۶ تا ۴۵ سال، ۸٫۴ درصد در بازه ۴۶ تا ۵۵ سال و ۶ درصد در گروه سنی ۵۶ تا ۶۵ سال قرار دارند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۰٫۶۴ سال و انحراف معیار برابر با ۱۲٫۶۱ است.

در بررسی وضعیت شغلی، ۴۲٫۲ درصد شاغل و ۵۷٫۸ درصد خانه‌دار هستند. از نظر سطح تحصیلات، ۲٫۴ درصد بی‌سواد، ۱۹٫۶ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم، ۳۵٫۸ درصد دارای مدرک فوق دیپلم، ۳۲ درصد دارای مدرک لیسانس و ۱۰٫۲ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند.

در بررسی وضعیت درآمد، ۴۹٫۴ درصد فاقد درآمد هستند. همچنین، ۱۲ درصد درآمد کم‌تر از ۵ میلیون تومان، ۲۱٫۶ درصد بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان، ۱۴٫۲ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان و ۲٫۸ درصد درآمد بالای ۲۰ میلیون تومان دارند.

در مورد نوع پوشش، با جمع نمرات سؤالات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۱۵، کم‌ترین مقدار ۸ و بیشترین مقدار ۲۳ ثبت شد. براساس تقسیم‌بندی انجام‌شده، ۶٫۲ درصد از پاسخ‌گویان فاقد پوشش یا دارای پوشش بسیار آزاد با رنگ‌های بسیار روشن مانند قرمز و صورتی و لباس‌های نامتعارف هستند. ۳۵٫۸ درصد در محدوده عرف لباس می‌پوشند (استفاده از بلوز و شلوار یا جین با رنگ‌های ملایم‌تری چون سبز و سفید). همچنین، ۳۶٫۲ درصد دارای پوشش معمولی‌اند؛ این افراد معمولاً از شال

و کلاه، شلوار مجلسی، مانتو بدون دکمه، لباس‌های اندازه تن و رنگ‌های خنثی مانند آبی استفاده می‌کنند. در نهایت، ۲۱,۸ درصد پوشش کامل دارند و معمولاً چادر، مقنعه، مانتو دکمه‌دار، شلوار پارچه‌ای و لباس‌های گشاد و تیره به تن دارند. در زمینه میزان حجاب، با مجموع نمرات مربوطه، مقدار نهایی بین ۷ تا ۳۵ متغیر بوده است. این شاخص به سه دسته تقسیم شد: ۳۱,۶ درصد دارای حجاب کم، ۴۳ درصد متوسط و ۲۵,۴ درصد دارای حجاب زیاد هستند. میانگین میزان حجاب برابر ۲۰,۴ و انحراف معیار آن ۷,۴۳ است.

در خصوص مدگرایی، شاخص مربوطه با جمع شش گویه سنجیده شد که کم‌ترین مقدار آن ۶ و بیشترین مقدار ۳۰ بود. تقسیم این مقادیر به سه سطح نشان داد که ۶۹,۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای مدگرایی پایین، ۲۳ درصد متوسط و ۷,۲ درصد دارای مدگرایی زیاد هستند. میانگین مدگرایی ۱۲,۱۷ و انحراف معیار آن ۵,۹۲ گزارش شده است.

### یافته‌های استنباطی

#### رابطه تحصیلات با نوع پوشش و میزان حجاب

جدول ۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت میزان تحصیلات با نوع پوشش و میزان حجاب

متغیر	میزان تحصیلات	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری
نوع پوشش	بی‌سواد	۱۲	۱۶/۵۸	۴۹۹	۶/۰۶	۰/۰۰۱
	ابتدایی و راهنمایی	۹۸	۱۷/۲۳			
	دبیرستان و دیپلم	۱۷۹	۱۵/۶۴			
	لیسانس	۱۶۰	۱۵/۹۱			
	فوق لیسانس و بالاتر	۵۱	۱۵/۵۲			
	کل	۵۰۰	۱۶/۰۵			
	ابتدایی و راهنمایی	۹۸	۲۴/۶۰			
	دبیرستان و دیپلم	۱۷۹	۲۱/۱۷			
	لیسانس	۱۶۰	۲۱/۰۵			
	فوق لیسانس و بالاتر	۵۱	۲۰/۰۹			

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه گرایش به مد با انتخاب نوع پوشش در میان بانوان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی، مرضیه صادقی هاردنگی، مرضیه مدنی نسب

متغیر	میزان تحصیلات	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری
	کل	۵۰۰	۲۱/۸۶			
متغیر	میزان تحصیلات	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری
میزان حجاب	بی سواد	۱۲	۲۱/۳۳	۴۹۹	۲/۷۶	۰/۰۲۷
	ابتدایی و راهنمایی	۹۸	۲۲/۴۱			
	دبیرستان و دیپلم	۱۷۹	۱۹/۳۷			
	لیسانس	۱۶۰	۲۰/۴۳			
	فوق لیسانس و بالاتر	۵۱	۲۰/۱۳			
	کل	۵۰۰	۲۰/۴۳			

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه مطابق با جدول ۱، نشان می‌دهد که بین میزان تحصیلات و نوع پوشش، میزان پوشش و میزان حجاب بانوان شهر یزد تفاوت معناداری وجود دارد. سطح معناداری در آزمون بین نوع پوشش و تحصیلات کم‌تر از ۰,۰۵ بوده، بنابراین این تفاوت از نظر آماری تأیید شده است. میانگین نوع پوشش در میان افراد بی‌سواد و کسانی که دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی هستند، بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی گزارش شده است. به عبارتی، این گروه‌ها پوشش متعارف‌تری دارند. همچنین، میانگین میزان پوشش در افراد دارای تحصیلات پایین نیز بالاتر است که نشان می‌دهد این گروه‌ها نسبت به رعایت پوشش اجتماعی حساس‌تر و مقیدتر هستند. میزان حجاب نیز در میان بی‌سوادان و افراد با تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، بیشتر از سایرین است. این یافته‌ها حاکی از آن است که زنان با سطح تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری به رعایت حجاب و پوشش کامل در جامعه دارند. در نتیجه می‌توان گفت هرچه سطح تحصیلات بالاتر می‌رود، از شدت پایبندی به پوشش و حجاب در میان بانوان کاسته می‌شود و افرادی با تحصیلات کم‌تر، حضور اجتماعی خود را با رعایت بیشتر هنجارهای پوششی و دینی همراه می‌کنند.

### رابطه درآمد با نوع پوشش و میزان حجاب

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه گرایش به مد با انتخاب نوع پوشش در میان بانوان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی، مرضیه صادقی هاردنگی، مرضیه مدنی نسب

## جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه تفاوت میزان درآمد با نوع پوشش و میزان حجاب

متغیر	میزان درآمد	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری
نوع پوشش	فاقد درآمد	۲۴۷	۱۶/۶۱	۴۹۹	۷/۰۶	۰/۰۰۱
	زیر ۵ میلیون تومان	۶۰	۱۶/۱۵			
	۵ تا ۱۰ میلیون تومان	۱۰۸	۱۵/۳۲			
	۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان	۷۱	۱۵/۰۲			
	بیش از ۲۰ میلیون تومان	۱۴	۱۶/۷۱			
	کل	۵۰۰	۱۶/۰۵			
متغیر	میزان درآمد	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	آزمون F	سطح معناداری
میزان حجاب	فاقد درآمد	۲۴۷	۲۱/۶۳	۴۹۹	۳/۸۰	۰/۰۰۱
	زیر ۵ میلیون تومان	۶۰	۱۹/۵۵			
	۵ تا ۱۰ میلیون تومان	۱۰۸	۱۸/۷۴			
	۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان	۷۱	۱۹/۳۳			
	بیش از ۲۰ میلیون تومان	۱۴	۲۱/۵۷			
	کل	۵۰۰	۲۰/۴۳			

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه مطابق با جدول ۲ نشان می‌دهد که بین میزان درآمد با نوع پوشش و میزان حجاب بانوان شهر یزد تفاوت معناداری وجود دارد. سطح معناداری رابطه بین درآمد و نوع پوشش کم‌تر از ۰,۰۵ بوده که نشان‌دهنده وجود تفاوت آماری معنادار میان این دو متغیر است. میانگین نوع پوشش در دو گروه، یعنی بانوان فاقد درآمد و بانوانی با درآمد بیش از ۲۰ میلیون تومان، بالاتر از سایر گروه‌های درآمدی گزارش شده است. افراد بدون درآمد، به دلیل باورها و اعتقادات قوی‌تری که دارند، نسبت به هنجارهای اجتماعی و دینی پایبندتر بوده و با پوشش کامل‌تری در جامعه ظاهر می‌شوند. همچنین، میزان پوشش این گروه نیز بالاتر از سایر گروه‌های درآمدی است. از سوی دیگر، بانوان دارای درآمد بالا نیز به دلایل موقعیتی و اجتماعی، نوعی رویکرد محافظه‌کارانه در پوشش دارند تا جایگاه و شأن اجتماعی خود را حفظ کنند و به همین دلیل حجاب و پوشش بیشتری را رعایت می‌کنند. در مجموع، می‌توان گفت که در هر دو سر

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه گرایش به مد با انتخاب نوع پوشش در میان بانوان شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی، مرضیه صادقی هاردنگی، مرضیه مدنی نسب

طیف درآمدی (فاقد درآمد و درآمد بالا)، تمایل به رعایت بیشتر حجاب و پوشش وجود دارد، در حالی که در گروه‌های میانی این تمایل کم‌تر مشاهده می‌شود.

### رابطه وضعیت اشتغال با نوع پوشش و میزان حجاب

جدول ۳. نتایج آزمون تی مستقل بین وضعیت شغلی، نوع پوشش و میزان حجاب

Sig	تی	میانگین	تعداد	وضعیت شغلی	متغیر وابسته
۰/۰۰۱	-۳/۹۱	۱۵/۴۷	۲۱۱	شاغل	نوع پوشش
		۱۶/۴۷	۲۸۹	خانه‌دار	
۰/۰۰۱	-۴/۱۶	۲۲/۸۳	۲۸۹	خانه‌دار	میزان حجاب
		۱۸/۸۵	۲۱۱	شاغل	

جدول شماره ۳، نتایج آزمون تی مستقل بین وضعیت شغلی با نوع پوشش و میزان حجاب را نشان می‌دهد. سطح معناداری کم‌تر از پنج صدم است؛ لذا این فرضیه تأیید می‌شود. میانگین نوع پوشش، میزان پوشش و میزان حجاب در میان خانه‌دار بیشتر از افراد شاغل است. افرادی که در خانه هستند از نظر اینکه بیشتر مشغول امور خانه و تربیت فرزندان هستند، کم‌تر در جامعه حضور دارند. بنابراین پوشش و حجاب بیشتری در جامعه دارند و با پوشش متعارف در جامعه حضور پیدا می‌کنند.

### رابطه بین سن با نوع پوشش و میزان حجاب

#### جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیر مستقل سن با نوع پوشش و میزان حجاب

p-value	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۰/۳۱۰	نوع پوشش	سن
۰/۰۱۷	۰/۱۰۶	میزان حجاب	

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، بین سن و متغیرهای نوع پوشش و میزان حجاب بانوان شهر یزد رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای تحلیل این روابط از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاکی از ارتباط آماری معنادار میان سن و هر سه مؤلفه مورد بررسی است. ضریب همبستگی میان سن و نوع پوشش برابر با ۰,۳۱۰ و سطح معناداری ۰,۰۰۱ بوده است که این میزان نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان این دو متغیر است. به عبارت دیگر، هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، نوع پوشش آنان نیز محافظه‌کارانه‌تر و مطابق‌تر با عرف جامعه می‌شود.

همچنین ضریب همبستگی میان سن و میزان حجاب ۰,۱۰۶ گزارش شده است که هر دو با سطح معناداری ۰,۰۰۱ رابطه‌ای معنادار و مثبت را نشان می‌دهند. بر اساس این، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سن، تمایل افراد به رعایت میزان پوشش مورد انتظار در جامعه بیشتر شده و استفاده از پوشش‌های محجبه‌تر افزایش می‌یابد. به‌طور کلی، افراد مسن‌تر به میزان بیشتری به نوع و میزان پوشش و رعایت حجاب توجه دارند و این روند بیان‌گر تأثیر عامل سن بر نگرش و رفتارهای پوششی بانوان در جامعه مورد مطالعه است. این نتایج بیان‌گر آن است که افزایش سن با گرایش بیشتر به رعایت هنجارهای پوششی اجتماعی همراه است و پوشش در میان زنان مسن‌تر تطابق بیشتری با معیارهای عرفی و دینی دارد.

#### رابطه مدگرایی با نوع پوشش و میزان حجاب

#### جدول ۵. آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیر مستقل مدگرایی با نوع پوشش و میزان حجاب

p-value	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۱	-۰/۱۵۶	نوع پوشش	مدگرایی
۰/۰۰۱	-۰/۳۳۱	میزان حجاب	

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون مطابق با جدول ۵، نشان می‌دهد که بین مدگرایی با نوع پوشش و میزان حجاب بانوان شهر یزد رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد. ضریب همبستگی بین مدگرایی و نوع پوشش برابر با -۰,۱۵۶، بین مدگرایی و میزان پوشش برابر با -۰,۲۲۰ و بین مدگرایی و میزان حجاب برابر با -۰,۳۳۱ بوده که همگی در سطح معناداری ۰,۰۰۱ تأیید شده‌اند. این ضرایب منفی بیان‌گر آن است که با افزایش گرایش به مدگرایی، میزان رعایت پوشش و حجاب در میان

پاسخ‌دهندگان کاهش می‌یابد. به عبارتی، افرادی که علاقه‌مند به پیروی از مد روز و تغییرات مدرن در سبک لباس هستند، بیشتر به پوشش‌های آزادتر و غیرمتعارف گرایش دارند و نسبت به هنجارهای پوششی جامعه تعهد کم‌تری نشان می‌دهند. در مقابل، کسانی که کم‌تر تحت تأثیر مدگرایی قرار دارند، به‌طور قابل توجهی پوشش متعارف‌تر و حجاب بیشتری دارند. به‌ویژه، رابطه بین مدگرایی و میزان حجاب، با ضریب منفی بالاتر، نشان‌دهنده تأثیر قوی‌تر مدگرایی بر کاهش حجاب است. در نتیجه می‌توان گفت که مدگرایی عاملی بازدارنده در رعایت حجاب و پوشش متناسب با عرف جامعه در میان بانوان این منطقه است.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل زنان شهر یزد بود که با نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود و داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل‌های استنباطی شامل تحلیل واریانس یک‌طرفه، آزمون تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، تجزیه و تحلیل شدند. هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه مدگرایی و همچنین وضعیت شغلی، سطح تحصیلات، میزان درآمد و سن با نوع پوشش انتخابی و میزان حجاب بانوان یزدی است تا تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی بر الگوهای پوشش در جامعه‌ای سنتی در حال گذار مشخص شود. ابداع این پژوهش در بررسی هم‌زمان و جامع پنج متغیر کلیدی در ارتباط با پوشش زنان یزدی است که پیش از این به‌صورت تلفیقی کم‌تر بررسی شده بود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سن به‌طور معناداری در تعیین نوع پوشش و میزان حجاب زنان شهر یزد مؤثر است؛ به‌طوری‌که با افزایش سن، تمایل به پوشش محافظه‌کارانه‌تر و رعایت حجاب بیشتر می‌شود. این نتیجه تا حدی با نتایج مطالعات داخلی مانند نیک‌بخش (۱۳۹۸) همخوانی دارد که به نقش دین‌داری و ساختارهای خانوادگی در حفظ پوشش سنتی زنان اشاره کرده است، اگرچه در پژوهش حاضر تمرکز بر سن به‌عنوان عامل مستقل بوده و نقش مستقیم دین‌داری مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین برخلاف برخی مطالعات نظیر بخشی‌نظر و همکاران (۱۳۹۸) که به نقش باورهای فردی و گروه همسالان توجه کرده‌اند، در این مطالعه تأثیر گروه‌های همسالان بررسی نشد که این اختلاف ممکن است ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و ویژگی‌های جامعه هدف باشد (نیک‌بخش، ۱۳۹۸؛ بخشی‌نظر و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش حاضر نشان داد که عوامل جمعیت‌شناختی نظیر سن، تحصیلات و وضعیت شغلی نقش مهمی در تعیین نوع پوشش و میزان حجاب زنان شهر یزد دارند و سبک زندگی مدرن (مدگرایی) می‌تواند به کاهش رعایت حجاب منجر شود. این یافته‌ها تا حدی با نتایج یاسینی (۱۳۹۹) در تضاد گفتمان رسمی حاکم با خرده‌گفتمان‌هایی مانند زیبایی‌شناسی، سلیقه فردی و مصرف فرهنگی مرتبط است. یاسینی بر اهمیت تأثیرات فرهنگی و زیبایی‌شناختی در انتخاب پوشش تأکید

دارد که مکمل دیدگاه پژوهش حاضر است و نشان می‌دهد عوامل هویتی و فرهنگی نیز در این حوزه نقش مهمی ایفا می‌کنند (یاسینی، ۱۳۹۹).

مطالعه محمدی و همکاران (۱۴۰۱) که به بررسی پوشش آیینی در اقلیت‌های دینی ایران پرداخته است، نشان داد انتخاب پوشش این گروه‌ها بیشتر ریشه در تاریخ و باورهای دینی دارد تا تأثیر رسانه یا سیاست. این موضوع تا حدی متفاوت از پژوهش حاضر است که به‌طور مستقیم بر نقش دین‌داری تأکید ندارد بلکه عوامل سن و اقتصادی را برجسته کرده است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱)، اما این تفاوت می‌تواند ناشی از تفاوت جامعه هدف و تمرکز مطالعات باشد؛ چراکه پژوهش حاضر بیشتر بر زنان شهر یزد در بستر جمعیت‌شناختی و اقتصادی متمرکز است، درحالی‌که محمدی و همکاران بر اقلیت‌های دینی با ویژگی‌های خاص فرهنگی توجه دارند. دانش‌مهر و حسن‌خانی (۱۴۰۱) با تحلیل پوشش دختران جوان شهر شاهین‌دژ، بر نقش نمادین لباس در بازنمایی هویت فرهنگی، محلی و جنسیتی تأکید کردند که این رویکرد نمادین و هویتی تفاوت مهمی با رویکرد پژوهش حاضر دارد که تأکید بیشتری بر عوامل جمعیت‌شناختی و سبک زندگی دارد (دانش‌مهر و حسن‌خانی، ۱۴۰۱). با این حال، این مطالعات همدیگر را تکمیل می‌کنند و نشان می‌دهند که پوشش نه تنها بازتابی از شرایط فردی و اقتصادی بلکه نمادی پیچیده از هویت و تعلق فرهنگی است.

از نظر عوامل اقتصادی، نتایج پژوهش حاضر هم‌سو با مطالعات رفعت‌جاه و فلاح سفیدکوه (۱۳۹۸) است که بر تأثیر پایگاه اقتصادی و سبک زندگی مدرن در انتخاب پوشش تأکید داشتند (رفعت‌جاه و فلاح سفیدکوه، ۱۳۹۸). در این پژوهش نیز مشاهده شد که زنان فاقد درآمد و همچنین زنان با درآمد بالا تمایل بیشتری به پوشش محافظه‌کارانه دارند، درحالی‌که این تمایل در گروه‌های درآمد میانی کم‌تر است که نشان‌دهنده پیچیدگی روابط اقتصادی و الگوهای پوششی است. همچنین، رابطه منفی بین مدرگرایی و میزان حجاب در این مطالعه با پژوهش سولستیانی و همکاران (۲۰۲۱) در اندونزی تطابق دارد، که نشان می‌دهد گرایش به سبک زندگی مدرن و پوشاک آزادتر می‌تواند بازدارنده پابندی به هنجارهای پوششی سنتی باشد. برخلاف برخی مطالعات خارجی که چالش‌های روانی و فشارهای اجتماعی را عامل مهم در حفظ پوشش معرفی کرده‌اند، در این پژوهش عوامل جمعیت‌شناختی و اقتصادی پررنگ‌تر مشاهده شدند (Sulistyani et al., 2021) ارتباط معنادار سطح تحصیلات با نوع پوشش و میزان حجاب نیز نشان داد که افزایش تحصیلات با کاهش پابندی به حجاب همراه است؛ یافته‌ای که با نتایج رفعت‌جاه و فلاح سفیدکوه (۱۳۹۸) هماهنگ است (رفعت‌جاه و فلاح سفیدکوه، ۱۳۹۸). در مقابل، برخی مطالعات خارجی مانند تارلو (۲۰۰۷) حجاب را نماد هویت فرهنگی و تمایز اجتماعی معرفی کرده‌اند، اما در پژوهش حاضر تأکید بیشتری بر عوامل فردی و جمعیت‌شناختی قرار گرفته است (Tarlo, 2007). در نهایت، وضعیت شغلی نیز به‌عنوان متغیری مؤثر در تعیین نوع پوشش و میزان حجاب مطرح شد؛ به گونه‌ای که زنان خانه‌دار پوشش محافظه‌کارانه‌تر و حجاب بیشتری نسبت به زنان شاغل داشتند. این یافته با نتایج پژوهش شهزاد و فاطیما (۲۰۲۴)

که نقش خانواده و تربیت اولیه را در انتخاب پوشش مهم می‌دانند، مطابقت دارد و می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر تعارض نگرش‌های مدرن و سنتی در محیط‌های شهری بر رفتار پوششی زنان باشد (Shehzad & Fatima, 2024).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سن، تحصیلات، درآمد و مدگرایی الگوی پوشش زنان یزدی را در بستری از نیروهای ساختاری و عاملیت فردی شکل می‌دهند؛ الگویی که تنها از خلال چارچوب نظری تلفیقی قابل فهم است. زیمیل توضیح می‌دهد که مدگرایی از تنشی پایدار میان میل به همسانی با جمع و نیاز به تمایز هویتی برمی‌خیزد. رابطه منفی و قدرتمند میان مدگرایی و میزان حجاب بیان‌گر آن است که زنان دارای گرایش مدرن، برای تمایز از نظم نمادین سنتی، به پوشش آزادتر گرایش پیدا می‌کنند؛ درحالی‌که گروه‌های مسن‌تر و دارای سرمایه اقتصادی یا فرهنگی محدودتر، به دلیل نیاز به حفظ تعلق اجتماعی، بیشتر در جهت همسانی با الگوهای فرهنگی شهر حرکت می‌کنند. این رفتار نمی‌تواند صرفاً انتخاب فردی تلقی شود، بلکه در ساختار فرهنگی شهر یزد که پیوندی عمیق با سنت دارد، معنای اجتماعی مشخصی پیدا می‌کند. از سوی دیگر، گافمن نشان می‌دهد پوشش به صحنه‌ای برای مدیریت برداشت اجتماعی تبدیل می‌شود. تفاوت میانگین حجاب میان زنان با تحصیلات بالا و پایین نه تنها بیان‌گر تفاوت نگرشی است، بلکه نشان می‌دهد گروه‌های مختلف برای نمایش قابلیت‌ها، هویت اجتماعی و سطح هنجارپذیری خود از پوشش بهره می‌گیرند. زنان با تحصیلات بالاتر که از سرمایه نمادین و نهادی برخوردارند، برای کسب پذیرش اجتماعی نیازمند پوشش سخت‌گیرانه نیستند، اما زنان در موقعیت‌های اجتماعی پایین‌تر، برای تثبیت هویت مقبول، از پوشش محافظه‌کارانه به‌عنوان راهبردی نمایشی استفاده می‌کنند.

در لایه‌ای عمیق‌تر، بورديو روشن می‌سازد که تفاوت‌های پوششی برآمده از سازوکارهای بازتولید سرمایه فرهنگی و اقتصادی است؛ اینکه زنان بی‌درآمد و پردرآمد هر دو گرایش به پوشش بسته‌تر دارند، نشان می‌دهد پوشش می‌تواند در یک سر طیف برای «حفظ بقا و مشروعیت اجتماعی» و در سر دیگر برای «تمایز منزلتی» به کار رود. درنهایت، گیدنز این الگو را در قالب «بازاندیشی هویت» تبیین می‌کند. زنان یزدی در جامعه‌ای در حال گذار، پوشش خود را نه به‌عنوان الزام بلکه به‌عنوان فرآیند مداوم مذاکره هویتی میان سنت، مدرنیته، فشار ساختاری و تمایلات فردی بازسازی می‌کنند. بنابراین، پوشش آنان حاصل برهم‌کنش پیچیده میان عاملیت، سرمایه اجتماعی، ساختار فرهنگی و سبک زندگی است و نه تصمیمی صرفاً فردی یا اقتصادی.

### پیشنهادات:

۱. طراحی مطالعات کیفی مکمل برای فهم عمیق‌تر منطق فرهنگی و هویتی انتخاب پوشش و سازوکارهای بازاندیشی زنان.

۲. انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای منطقه‌ای میان شهرهای سنتی و مدرن برای سنجش نقش بافت فرهنگی در رابطه میان مدگرایی و حجاب.
۳. توجه ویژه به نسل نوجوان و جوان و طراحی برنامه‌های فرهنگی مبتنی بر روان‌شناسی نسل جدید، با توجه به رابطه منفی سن و میزان حجاب.
۴. حمایت از تولید پوشش بومی زیبایی‌شناختی با استفاده از طراحی‌های مدرن، برای پاسخ‌گویی هم‌زمان به نیاز هویتی، زیبایی‌شناختی و فرهنگی بانوان.
۵. بازنگری واقع‌بینانه در سیاست‌گذاری پوشش زنان تحصیل‌کرده و شاغل با توجه به تغییرات هویتی و سرمایه فرهنگی این گروه‌ها و لزوم افزایش انعطاف در مقررات فرهنگی.

### تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسؤول، این مقاله حامی مالی نداشته است و نویسندگان از تمامی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌کنند.

## منابع

۱. بخارایی، احمد و رفیعی، ملکه. (۱۳۹۵). زنان و گرایش به مد. زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۳)، ۳۲۸-۳۰۹. doi: 10.22059/jwdp.2016.60053
۲. بخشی‌نظر، زهره، قدسی، علی محمد و بلالی، اسماعیل. (۱۳۹۸). گونه‌شناسی پوشش زنان شهر همدان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۳): ۱۰۸-۹۱. doi: 10.113421,1508/jas.2108.10
۳. بهار مهری، زارع مریم. (۱۳۸۸). سنخ بندی مد در تهران: با تأکید بر نحوه پوشش زنان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۷، شماره ۳ (پیاپی ۲۶): ۴۸-۲۷. [https://jwdp.ut.ac.ir/article\\_19694.html](https://jwdp.ut.ac.ir/article_19694.html)
۴. پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
۵. حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی. (۱۳۸۷). سبک زندگی و پوشش زنان در شهر تهران. فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱(۱): ۹۲-۶۵. doi: 10.103/ijcr.508.10
۶. خواجه‌نوری، بیژن، روحانی، علی و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۰). سبک زندگی و مدیریت بدن، جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)، دوره ۲، شماره ۴ (مسلسل ۸): ۴۷-۲۱. [https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article\\_1182.html](https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_1182.html)
۷. دانش مهر، حسین و حسن خانی، الناز. (۱۴۰۱). روایت دختران از پدیده پوشش؛ بازتعریف هویت و دلالت‌های معنایی آن (مورد مطالعه: دختران جوان شهر شاهین‌دژ). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۱(۱): ۸۱-۱۱۲. doi: 10.2022,315547,1161/jisr.2059
۸. رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۶). "هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد". فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره سی و هشت: ۱۳۵-۱۷۹. <https://ensani.ir/fa/article/179>
۹. رفعت جاه، مریم، و فلاح سفیدکوه، اعظم. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی فرهنگ پوشش دختران و پسران جوان در دو منطقه از شهر تهران. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳(۱): ۸۴-۶۰. SID. <https://sid.ir/paper/135770/fa>
۱۰. ریتزر، ج. (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (ترجمه م. ثلاثی). تهران: علمی.
۱۱. رضاپور، علی. (۱۴۰۲). برقع؛ پوشش زنان جنوب، دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات مدیریت، فرهنگ و هنر، تهران، <https://civilica.com/doc/1877801>

۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، نشر نی، چاپ اول.
۱۳. محمدی، رامونا، داودی رکن آبادی، ابوالفضل، شریف زاده، محمد رضا و اردلانی، حسین. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه-شناختی پوشش روزمره و آئینی زنان در میان اقلیت‌های مذهبی (مورد مطالعه: زرتشتیان و مندائیان). جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر: ۴(۱): ۲۲-۱. doi: <https://doi.org/10.34785/J016.2022.009>
۱۴. نیک‌بخش، بهرام. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله شهرستان لالی). [https://jzv.j.marvdasht.iau.ir/article\\_3407.html](https://jzv.j.marvdasht.iau.ir/article_3407.html)
۱۵. یاسینی، سیده راضیه. (۱۳۹۹). تحولات زیباشناختی پوشش و پوشاک زنان ایران در گفتمان ارزش‌گرایی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶(۶۱): ۲۰۱-۱۷۷. doi: ۱۰.۲۰۳۴. ۲۰۳۴. ۱۵۵۰/jcsc. ۸۱۷۵۳,۰۲۰
16. Adam, H., & Galinsky, A. D. (2012). Enclothed cognition. *Journal of experimental social psychology*, 48(4), 918-925. <https://doi.org/10.1016/j.jesp.2012.02.008>
17. Fishbein, M., Middlestadt, S. E., & Hitchcock, P. J. (1994). Using information to change sexually transmitted disease-related behaviors. In R. J. DiClemente, & J. L. Peterson (Eds.), *Preventing AIDS: Theories and methods of behavioral interventions* (pp.61-78). New York: Plenum Press. [https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4899-1193-3\\_4](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4899-1193-3_4)
18. Gilman, P. C. (2002) *The Dress of Women: A Critical Introduction to the Symbolism and Sociology of Clothing*, Micheal R. H. & Mary Jo Deegan (Eds). London, UK: Westport Greenwood Press. [https://api.pageplace.de/preview/DT0400.9780313074318\\_A47347923/preview-9780313074318\\_A47347923.pdf](https://api.pageplace.de/preview/DT0400.9780313074318_A47347923/preview-9780313074318_A47347923.pdf)
19. Johnson, K., Lennon, S. J., & Rudd, N. (2014). Dress, body and self: Research in the social psychology of dress. *Fashion and textiles*, 1(1), 20. <https://doi.org/10.1186/s40691-014-0020-7>
20. Jordan TR, Yekani HAK, Sheen M. Further investigation of the effects of wearing the hijab: Perception of female facial attractiveness by Emirati Muslim men living in their native Muslim country. *PLoS One*. 2020 Oct 21;15(10): e0239419. doi: 10.1371/journal.pone.0239419.
21. Rahmath, S, Chambers, L, Wakewich, P (2016). Asserting citizenship: Muslim women's experiences with the hijab in Canada, *Women's Studies International Forum*, Volume 58, Pages 34-40. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2016.06.001>
22. Rosenfeld, L. B., & Plax, T. G. (1977). Clothing as communication. *Journal of Communication*, 27(2), 24-31. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.1977.tb01823.x>

23. Shahzad, M., & Fatima, L. (2024). Understanding hijab-wearing behaviour among female university students: an empirical examination of cultural influence, family influence, and personal preference. *Journal of Beliefs & Values*, 1–17. [https://doi.org/10.1080/13617672.2024.2332822?urlappend=%3Futm\\_source%3Dresearchgate.net%26medium%3Darticle](https://doi.org/10.1080/13617672.2024.2332822?urlappend=%3Futm_source%3Dresearchgate.net%26medium%3Darticle)
24. Sulistyani, Hapsari & Rahmiaji, Lintang & Rahardjo, Turnomo. (2022). Women, Fashion and Social Prejudice. <https://doi.org/10.4108/eai.14-9-2021.2321389>.
25. Tarlo, E. (2007). Hijab in London: Metamorphosis, resonance and effects. *Journal of Material Culture*, 12(2), 131-156. [https://research.gold.ac.uk/id/eprint/725/1/ANTH\\_Tarlo\\_2007a.pdf](https://research.gold.ac.uk/id/eprint/725/1/ANTH_Tarlo_2007a.pdf)

## Sociological analysis of the relationship between fashion orientation and clothing choice among women in Yazd city

Akbar Zare Shahabadi \*<sup>۱</sup> , Marzieh Sadeghi Hardangi<sup>۲</sup>, Marzieh Madani Nasab<sup>۳</sup>

**Date Received:**

9 Sep 2025

**Date Accepted:**

24 Nov 2025

**Keywords:**

Type of clothing, Fashion, Hijab, Yazd city, Women's Clothing.

**Abstract**

**Background:** Changes in women's dress codes in religious cities such as Yazd, influenced by fashion orientation, play a significant role in the redefinition of women's identities. This study aimed to examine the relationship between fashion orientation and the type of women's clothing in the city of Yazd.

**Methods:** This research was a descriptive-survey study. The statistical population consisted of women aged 15 to 65 living in Yazd. Using a multistage cluster sampling method, 500 participants were selected. Data were collected through a researcher-made questionnaire with confirmed validity and Cronbach's alpha coefficients of 0.86 for hijab and 0.75 for fashion orientation. Data analysis was conducted using SPSS software.

**Results:** The findings indicated a significant relationship between age and type of clothing, as well as an inverse relationship between fashion orientation and the level of hijab. In addition, the level of hijab was higher among housewives compared to employed women.

**Conclusion:** Age, education, and income are influential factors in determining women's clothing choices and levels of hijab. Fashion orientation is associated with a reduced tendency toward traditional dress, and clothing selection emerges from the interaction of social structures and identity representation within a society undergoing transition.

<sup>1</sup> Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. a\_zare@yazd.ac.ir

<sup>۲</sup> PhD student in Economic Sociology and Development, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. marziyehsadeghi5@gmail.com

<sup>۳</sup> MA in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. marziehmadaninasab@gmail.com